

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیژن نیابتی
۲۵ اکتوبر ۲۰۱۸

جنایت سازمانیافته، نبرد سازمانهای اطلاعاتی

جمال قاشقچی یا به روایت عربی خاشقچی ستون نویس روزنامه واشنگتن پست که خود سالها از اعضای عالیرتبه سازمان اطلاعاتی سعودی و مشاور شاهزاده ترکی الفیصل در موضع رئیس سازمان اطلاعاتی مذکور بوده است اول اکتوبر ۲۰۱۸ هدف یک جنایت سازمانیافته می گردد که ابعاد آن بسا فراتر از هر تحلیل و تفسیری به آن می ماند که به یک آرایش قوای جدید در خاورمیانه بزرگ می تواند منتهی گردد. قتل جمال قاشقچی که به مثابه زلزله ای بر خاندان ابن سعود عارض شده می رود که اندک اندک کودتای نئوکانه در عربستان و آوردن محمد بن سلمان را به یک ضد کودتای گلوبالیستی تبدیل نماید که در مرکز آن از قضاء همین ولیعهد جوان و نا متعادل ملک سلمان پادشاه سعودی قرار دارد. در پشت صحنه اما این ترمپ و دار و دسته جدیدش هستند که باید به سهم خود بهای به هم زدن میزهای بازی در سیاست بین المللی را بپردازند.

کودتای نئوکانه در عربستان اساساً با هدف تعیین تکلیف با رژیم جمهوری اسلامی انجام گردید. محمد بن سلمان بیش از آن که به بریتانیا و ایالات متحده نزدیک باشد بند نافش به اسرائیل و کلان سرمایه یهود بسته است. عربستان محمد سلمان می بایست که در نوک پیکان پروژه "رژیم چنج" در ایران قرار بگیرد و قرار هم می گیرد. تأمین مالی کل اپوزیسیون برانداز و خرده جریانات تجزیه طلب در کنار قطع سرانگشتان رژیم حاکم بر ایران در عراق و سوریه و یمن و لبنان و بحرین برعهده باند محمد بن سلمان و نئوکانه های حامی او در ایالات متحده و دولت حرامزاده اسرائیل قرار می گیرد و او نیز به واقع در این راستا سنگ تمام می گذارد. باند محمد بن سلمان تنها مسؤل تأمین مالی پروژه "رژیم چنج" در ایران نیست، مسؤلیت تشکیل ناتوی عربی و تأمین مالی آن را نیز برعهده گرفته است.

دشمنی باند حاکم بر سعودی تنها با جمهوری اسلامی نیست، دولت حامی اخوان المسلمین در ترکیه نیز هدف بوده است. اگرچه شیعیان جنوب عربستان همواره تهدیدی جدی برای حاکمیت آل سعود بوده اند اما تهدید اخوان المسلمین اساساً از جنس دیگری است. شیعیان تنها یک تهدید امنیتی هستند ولی اخوان المسلمین یک تهدید ایدئولوژیک و آلترناتیو جناح کبوترها در پروسه آن بهار عربی کذائی بوده که شامل تجزیه خود عربستان هم می شده است. هم درگیری پرهزینه اخیر با قطر و هم جنایت ستانبول اساساً بر همین محور یعنی تضاد با اخوان المسلمین می چرخد. قاشقچی فقط یک مخالف معمولی دولت سعودی نبود بخشی از طراحی اخوان المسلمین در کادر طرح خاورمیانه بزرگ برای آینده عربستان نیز بوده است.

برای من چراغ سبزی را که گلوبالیستها برای حاکمیت جدید در عربستان روشن کرده بودند بسیار شبیه همان چراغ سبزی بود که آپریل گلاسیپی سفیر وقت امریکا در عراق در ملاقات با صدام به او نشان داده بود. گلاسیپی گفته بود که مسأله کویت از نظر ما یک مسأله داخلی میان دو کشور عراق و کویت است و ایالات متحده بنا ندارد که در این موضوع مداخله کند! سکوت دولتهای اروپائی در مقابل سیاست رعب و وحشت محمدبن سلمان و دستگاه اطلاعاتی تحت مسؤولیت او در کشور های اروپا و ربودن مخالفان او هیچ معنائی جز همین چراغ سبز را به ذهن تداعی نمی کند. کم نبودند مخالفانی که در دوسال گذشته توسط مأموران سعودی ربوده و به عربستان بازگردانده شده بودند. فقط ظرف یکسال گذشته یک قلم سه نفر از شاهزادگان سعودی که مقیم کشورهای اروپائی بودند ربوده شده و به ریاض برده شده بودند. تنها شاهزاده خالد بن فرحان که مقیم المان است در اروپا باقی مانده است. شاهزاده ترکی السلطان را با وعده و وعید و با یک هواپیمای خصوصی از لندن به مقصد قاهره سوار می کنند ولی هواپیما از ریاض سر درمی آورد. نه صدای دولت فخیمه درمی آید و نه هیچ کس دیگر! هنوز که هنوز هم از سرنوشت آنان اثری بر جای نیست و دولت سعودی نیز تا کنون خود را ملزم به پاسخگویی ندیده است.

سفر دونالد ترمپ به عربستان و رقص شمشیر و پز دادن جلو دوربینها درحالی که دستش را با ملک سلمان بر روی کره زمین گذاشته بود امر را بر حاکمیت سعودی مشتبه کرده بود که با کارت سبز دولت ترمپ که برای آن البته میلیاردها دالر هم هزینه کرده بود قادر به انجام هر غلطی در منطقه خواهند بود. از جنایت علیه بشریت در یمن گرفته تا تأمین مالی و تسلیحاتی سلفیسم وحشی در سوریه و تا حبس و تهدید و سلاخی مخالفان حتی در خارج از مرزهای خودی.

خانواده قاشقچی که از یهودیان مقیم قیصریه در خاک عثمانی بوده و بعدها به مدینه رفته اند از سالهای دور در کنار خانواده بن لادن در شمار خانواده های درون سیستم حاکم در عربستان بوده اند. جمال خود همکلاس و همبازی اسامه بن لادن و هر دو بعدها در ارتباط با سازمانهای اطلاعاتی عربستان، بریتانیا و ایالات متحده قرار دارند. "عدنان قاشقچی" تاجر معروف سلاح در داستان ایران گیت عمومی او و "سمیرا قاشقچی" مادر دودی الفاید دوست پسر لیدی دیانا عمه او بوده اند. او سالها در خدمت رژیم سعودی چه به عنوان مشاور شاهزاده ترکی الفیصل در سازمان اطلاعاتی عربستان و چه در کادر رسانه ئی و به عنوان سردبیر رسانه های حکومتی از جمله روزنامه الوطن انجام وظیفه می کرده است. آمدن قاشقچی به عنوان ستون نویس به روزنامه واشنگتن پست به مثابه یکی از مهمترین ارگانهای دولت پنهان در ایالات متحده نشاندهنده جایگاه جمال قاشقچی در میان گلوبالیستهای درون جناح کبوترهاست. اخوان المسلمین و گلوبالیستهای حامی آن با جمال قاشقچی به دنبال شکل دادن یک آلترناتیو به اصطلاح دمکراتیک و فدرال برای عربستان چهارتکه شده آینده بوده اند و رژیم سعودی نیز بخوبی بر این واقعیت آگاه بوده است. دولت ترکیه نیز به مثابه قدرتمندترین دولت اخوان المسلمین در کنار قطر، مدعی رهبری اسلام مدرن از نوع سنی آن و رقیب جدی اسلام بنیادگرای سنی و وهابیت در جهان اسلام می باشد. جنایت ستانبول هر دوی آنها را هدف گرفته بود. به همین دلیل هم بود که سفارتخانه های عربستان در امریکا و انگلیس قاشقچی را به کنسولگری خود در ستانبول رجوع داده بودند.

قرار بود که مسؤولیت ناپدید شدن قاشقچی در ترکیه روی دولت طیب اردو خان خراب شود. این که دولت ترکیه اپوزیسیون بسیاری از کشورهای خاورمیانه از عراق و سوریه گرفته تا مصر و افغانستان و همین عربستان را در خاک خود پذیرائی کرده و می کند اصلاً راز پنهانی نیست. طرح کشتن قاشقچی اگر به موفقیت می انجامید پرستیژ ترکیه در رابطه با حفاظت از جریانات نزدیک به خود در اپوزیسیون کشورهای عربی از اساس به زیر علامت سؤال

می رفت. از آن مهمتر خراب شدن این جریان روی ترکیه می بایست دست دولت ترمپ را در مقابله با اردو خان بر سر باز پس گرفتن راهب "اندرو برانسون" پر کرده و کفه دولت ترکیه که بشدت از سوی دولت امریکا در رابطه با آزادی برانسون زیر فشار بود را باز هم سبکتر نماید.

اما سازمان اطلاعاتی ترکیه "میت" از همان ابتداء در جریان ماقع قرار دارد. آنها حتی بر روی کنسولگری عربستان شنود نیز گذاشته اند اگرچه نه کسی در ترکیه به چنین چیزی اشاره می کند و نه دولت ترکیه هرگز چنین اتهام پر هزینه ای را خواهد پذیرفت. به باور من خود قاشقچی هم با اطلاع و نظارت "میت" وارد کنسولگری می شود. با اینحال تصور آنها اینست که سعودیها قصد ربودن قاشقچی را دارند و قرار است که همه را به هنگام خروج از ترکیه دستگیر و توطئه را خنثی کنند. به عقل هیچ کس اما قد نمی دهد که دولت سعودی چنین ابلهانه قصد کشتن و قطعه قطعه کردن قاشقچی را در کنسولگری خودش داشته باشد. آخر از هر طرف که به قضیه نگاه کنی بیشتر به یک شوخی کودکانه می ماند تا یک واقعیت دهشت انگیز!

همزمان قضائیه ترکیه در ۱۲ اکتوبر یعنی ده روز پس از واقعه کنسولگری، اندرو برانسون که به اتهام جاسوسی و همکاری با تروریسم با تقاضای ۳۵ سال زندان محاکمه می شد را آزاد می کند. دو شاهد مخفی که بخش اعظم اتهامات را به برانسون وارد کرده بودند به ناگهان شهادت خود را پس می گیرند و برانسون علی رغم شوک وارده به طرفداران اردو خان با سلام و صلوات به نزد ترمپ فرستاده می شود. آزادی او رابطه خراب شده با ترمپ را موقتاً ترمیم کرده و فضا را برای تمرکز دولت او بر روی جنایت ستانبول باز می کند. اندرو برانسون که نزدیک به یک ربع قرن در شهر از میر در ترکیه ساکن بوده است یک میسیونر مذهبی متعلق به اوانجلیستها یا مسیحیان صهیونیست می باشد. او که از هفت اکتوبر ۲۰۱۶ در زندان ترکیه به سر می برد در ماه های اخیر همواره یکی از موضوعات پر اهمیت در رابطه دولت ترمپ با حکومت اقتدارگرای طیب اردو خان در ترکیه بوده است. با آزادی پر هزینه او طیب اردو خان توپ را موقتاً به زمین ترمپ می فرستد.

تا اینجا کار، دولت و میت ترکیه بازی را برده اند. آنها موفق می شوند که نارنجکی را که سازمانهای اطلاعاتی مقابل بسمتشان پرتاب کرده بودند، پیش از انفجار به سنگر خود آنها بیندازند و نارنجک هم درست در دامن محمد بن سلمان و دولت سعودی منفجر می گردد. به ناگهان شرق و غرب عالم علیه دولت عربستان بسیج می شوند و فشار بر روی دونالد ترمپ برای موضع گیری علیه نان دانی اش هر روز بالاتر می رود. دولت ترکیه با خونسردی به انتظار می نشیند و بدون این که خود اعلام موضع کند هر روز اطلاعات جدیدی را در این رابطه از طریق مطبوعات وابسته به خود افشاء و فشار را بر روی سعودیها افزایش می دهد. نهایتاً پس از هفده روز دولت عربستان رسماً قتل جمال قاشقچیرا در کنسولگری خود می پذیرد اما هرگونه اطلاع خود از جنایت ستانبول را تکذیب می کند. از اینجا به بعد باید که مستقیماً بر روی خود ولیعهد تمرکز کرد.

دولت ترکیه دوباره به سیاست اطلاع رسانی قطره ای از طریق مطبوعات نزدیک به خود ادامه می دهد. روزنامه شفق نو چهار تماس تلفنی "ماهر عبدالعزیز مطرب" محافظ شخصی ولیعهد را که همراه با تیم ۱۵ نفره عملیاتی به ترکیه آمده بود با رئیس دفتر محمد بن سلمان در روز دوم اکتوبر افشاء می کند. مطرب یکبار هم در همان روز با خالد بن سلمان برادر ولیعهد و سفیر عربستان در امریکا تماس گرفته است.

صبح سه شنبه رئیس جمهور ترکیه همانگونه که از قبل اعلام شده بود قرار بود که کل معمای قتل قاشقچی را در مقابل دوربین تلویزیونهای دنیا که مشتاقانه به صف ایستاده بودند به تمام و کمال افشاء کند. اردو خان البته همانطور که انتظار می رفت هیچ چیز بیشتر از آنچه که تا کنون در مطبوعات ترکیه منتشر شده بود نگفت و به سیاست خبررسانی قطره

ئی با هدف معاملات آینده و امتیازگیری های محتمل از دار و دستۀ ترمپ و همینطور دولت سعودی و شخص ملک سلمان ادامه داد با این تفاوت که تمامی آنچه را که دولت تا کنون به طور غیررسمی و از طریق رسانه ها افشاء کرده بود اردوخان رسماً اعلام کرد. البته تردیدی نیست که در دست طیب اردوخان و سازمان اطلاعاتی تحت امرش مدارک بسا بیشتری از آنچه او امروز بیان کرد موجود می باشد که می تواند موضوع معاملات آینده باشد.

اما به باور من آنچه که محور اساسی صحبت‌های اردوخان بود تأکید او بر یک مسأله بسیار مهم بود و آن سازمانیافته بودن جنایت در کنسولگری عربستان بود. اگر دولت ترکیه اثبات کند که جنایت ستانبول با امریت محمد بن سلمان و با طرح و نقشه از پیش تعیین شده انجام گردیده راه را برای رفتن پرونده تا شورای امنیت ملل متحد و از آنهم مهمتر تا تریبونال بین المللی و محاکمه محمد بن سلمان باز خواهد کرد که این البته هیچ معنائی به جز برکناری او و پیروزی ضد کودتا در مرکز حاکمیت سعودی نخواهد داشت. ملک سلمان البته تا به آخر بر ولیعهدی پسرش پای خواهد فشرد چرا که تغییر و برکناری ولیعهد بیشتر به تغییر رژیم در عربستان و برباد رفتن نقشه های ترمپ و دار و دسته اش می ماند و این اصلاً ساده نخواهد بود. حداقل تا روزی که دونالد ترمپ در کاخ سفید می باشد.

محمد سلمان به جای آن که به پای جمال قاشقچی شلیک کند شقیقه خود را هدف گرفته است. جنایتکاران حاکم بر ایران می توانند عجالتاً نفس راحتی بکشند و نوبت خود را باز به انتظار بنشینند.

بیژن نیابتی ، دوم آبان [عقرب] ۱۳۹۷